

شعری زیبا از احمد رضا احمدی

[احمد رضا احمدی](#) ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ در کرمان متولد شد و در سال ۱۳۲۶ با خانواده به تهران کوچ کرد. از بیست سالگی به طور جدی به سرودن شعر پرداخت. وی نخستین مجموعه شعرش را با عنوان «طرح» در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد که توجه بسیاری از شاعران و منتقدان را جلب کرد.

او دیروز و به دنبال بیماری چشم از جهان فرو بست

تمام دست تو روز است
و چهره‌ات گرما
نه سکوت دعوت می‌کند

و نه دیر است
دیگر باید حضور داشت
در روز
در خبر
در رگ
و در مرگ...

از عشق
اگر به زبان آمدیم فصلی را باید
برای خود صدا کنیم
تصنیفها را بخوانیم
که دیگر زخم‌ها مان بوی بهار گرفت

بمان:
که برگ خانه‌ام را به خواب داده‌ای
فندق بهارم را به باد
و رنگ چشمانم را به آب
تفنگی که اکنون تفنگ نیست،
و گلوله‌ای که در قصه‌ها
عتیقه شده است

روبه‌روی کبوتران
تشنگی پرندگان را دارد